

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تقسیم مرحوم امام در این مسأله

در این مسأله يك تقسيمي در كلمات امام(رض) هست كه - بر اساس تتبع ما - اين تقسيم نه در متن عروه وجود دارد و نه در ساير كلمات. مسأله اين بود كه كسي كه مشغول نماز چهار ركعتي است و در اثناء نماز نمي داند كه آیا از اول نماز، نيّت ظهر کرده يا نيّت عصر، تا به حال اينطور مي گفتم كه يا يقين دارد به اتيان ظهر و يا شك دارد در اتيان ظهر و يا يقين دارد به عدم اتيان ظهر، و فروعاتي كه تا به حال مطرح شد كه اين نماز چهار ركعتي، آیا در وقت مشترك است يا مختص ظهر، و يا در وقت مختص عصر است. حال تقسيمي كه در كلام امام(رض) است اين است كه چنين شخصي نسبت به نماز عصر هم سه صورت دارد؛ يا يقين به عدم اتيان عصر دارد يا شك در اتيان و عدم اتيان عصر دارد و يا نسبت به نماز عصر يقين به اتيان دارد. آنچه كه مرحوم سيد در اين مسأله فرمود اين بود كه چنين شخصي اگر يقين به اتيان ظهر دارد «بطل ما في يده»، اما اگر شك دارد و يا يقين به عدم اتيان دارد «عدل إلی الظهر» و ما در اين «عَدَل» بين اينكه در وقت مشترك باشد يا در وقت مختص، آیا قطع اين نماز جايز است يا نه، فروعی بود كه بيان كرديم. اما تمام اينها در فرضي است كه يقين دارد كه نماز عصر را اتيان نكرده است. اينكه مي گوئيم اگر يقين دارد ظهر را آورده، الآن در اثناء شك مي كند «بطل ما بيده» جايي است كه يقين دارد كه اصل را نياورده، اينكه مي گوئيم «عدل إلی الظهر» جايي است كه يقين دارد عصر را نياورده است. اما حالا دو صورت ديگر باقي مي ماند؛ اول موردی كه اين شخص شك دارد كه اصلاً عصر را هم آورده يا نه؟ دوم؛ موردی كه يقين دارد عصر را آورده است.

اين تقسيم در مورد نماز عصر در كلام امام(رض) است و همين سبب شده كه صور اين مسأله ي اول؛ سي و شش صورت شود. حالا ببينيم نظر شريف ايشان در اينجا چيست و چه بايد گفت؟ اگر كسي در اثناء نماز چهار ركعتي نمي داند كه آیا از اول نيّت ظهر كرد يا عصر، و نمي داند نماز عصر را آورده يا نه؟ اينجا باز نسبت به نماز ظهرش يا علم به اتيان ظهر دارد، الآن هم در حال خواندن يك نماز چهار ركعتي است و شك هم دارد عصر را آورده يا نه؟ امام(رض) مي فرمايد هيچ راهي براي احراز نيست كه اين نماز چهار ركعتي را درست كند، لذا عدول معنا ندارد. چون نماز ظهر را آورده، راهی برای اينكه اين نماز را نماز عصر قرار دهيم نيست. چون ايشان نکته ای را فرمود كه ما هم در اين جهت از ايشان تبعيت كرديم، كسي كه نمازي را شروع مي كند، در وسط نماز نمي داند كه اين نماز از اول به عنوان ظهر شروع شد يا به عنوان عصر، اينجا قاعده ي تجاوز جريان ندارد. طبق مبناي امثال محقق خوئي(ره) باز در اينجا مي گوئيم «اذا رأي نفسه فعلاً في صلاة العصر» قاعده ي تجاوز جاري شود. طبق مبناي مرحوم محقق حائري(قده)، اگر بناي بر اتيان وظيفه ي فعلي و تكليف فعلي اش داشته، اين نماز به عنوان عصر واقع مي شود، اگر هم از اوّل نيّت ظهر کرده، بايد بگوئيم از باب خطاي در تطبيق است. منتهي اينها را دقت فرموديد كه ما هيچيك را درست نمي دانستيم، نه قبول كرديم كه قاعده ي تجاوز اينجا جريان دارد، كسي كه يك نماز را شروع کرده و الآن هم خودش را در وسط نماز في صلاة العصر بداند، قاعده ي تجاوز نسبت به بقيه ي اجزاء يعني اجزائي كه انجام شده جريان ندارد، توضيحش را هم داديم. بحث خطاي در تطبيق هم در اينجا جايی ندارد، بنا بر اين نماز اين كسي كه يقين دارد - سه عنوان را دقت كنيد - اولاً

ظهر را آورده، ثانياً در اثناء نماز چهار رکعتي شكّ مي‌کند که از اول نیت عصر کرده یا نه، ثالثاً شكّ هم دارد که نماز عصر را آورده یا نه، نسبت به این نماز چهار رکعتي که عدول معنا ندارد.

ظهر را آورده، خودش را هم که نمی‌توانیم به عنوان نماز عصر تصحیح کنیم، چون نه قاعده‌ي تجاوز جاري است، نه مسأله‌ي خطاي در تطبيق پياده مي‌شود، لذا ما باید بگوئیم که این باطل است. آن وقت در اینجا باز آن مطلب مي‌آید، حالا که «بطل»، اگر در وقت مشترك باشد که قطعاً «بطل»، اگر در وقت مختص باشد، بین آنجایی که مجال برای اینکه این را رها کند «و أدرك رکعة»، آنجایی که وقت برای ادراك يك رکعت متسع نباشد، باز اینجا تفصیل مي‌دهند و این مطالب دیگر عین آن مطالبی است که ما قبلاً هم گفتیم. در يك قسمت مختصرش با امام (رض) مخالفت کردیم، در يك فرضش ایشان مي‌فرماید احتیاط این است که تمام کند و بعد نماز قضاي ظهر و عصر را بخواند، حالا اینجا ظهر را که قبلاً خوانده، قضاي عصر را بجا بیاورد، آنجا گفتیم که این احتیاط منشأ ندارد و مي‌تواند همین را قطع کند. پس این صورت که شكّ در اتيان عصر دارد، روشن شد.

دو فرض قبلي با علم به اتيان ظهر بود، حالا در همین مورد که شكّ در اتيان عصر دارد، با علم به عدم اتيان ظهر، مي‌داند که ظهر را نیاورده، يك چهار رکعتي هم خوانده که وسطش شكّ دارد و سوم اینکه شكّ دارد که آیا عصر را آورده یا نه؟ اینجا امام (رض) مي‌فرماید باید عدول به ظهر کند. چون اولاً استصحاب مي‌کند عدم اتيان عصر را، با استصحاب مي‌گوید من عصر را اتيان نکردم. وقتي استصحاب کرد، موضوع عدول درست مي‌شود، يقين دارد ظهر را نیاورده، نماز چهار رکعتي الآن دارد مي‌خواند و شكّ دارد و سوم شكّ دارد که عصر را آورده یا نه؟ مي‌فرماید وقتي عدم اتيان عصر را استصحاب کرد، موضوع عدول درست مي‌شود، چون استصحاب مي‌گوید تو عصر را نیاوردی، اگر هم این نماز چهار رکعتي را به عنوان عصر شروع کرده باشد، قابليّت عدول به نماز ظهر را دارد. لذا اینجا با این استصحاب عدم اتيان عصر؛ موضوع عدول درست مي‌شود.

«عدول» دو رکن دارد؛ يکي اینکه ظهر را نیاورده باشد، در آن فرض قبلي چون يقين به اتيان ظهر داشت، جايي برای عدول نیست، اینجا فرض این است که نیاورده. رکن دوم این است که «ما بیده» عصر باشد بحسب الواقع، اینجا بگوئیم وقتي عدم اتيان عصر را استصحاب کرد، با آن استصحاب بگوئیم حالا که عصر را نیاورده و این نماز هم به حسب الواقع یا از اول به نیت ظهر شروع کرده، دیگر نیازی به عدول ندارد، اگر از اول به حسب الواقع به نیت العصر شروع کرده، عدول مي‌کند. بعبارة آخری؛ مي‌فرمایند اینجا دو مطلب وجود دارد، يکي وجداني و ديگري تعبدی است. با این دو مطلب که يکي وجداني است و ديگري تعبدی، ما موضوع عدول را درست مي‌کنیم. «مطلب وجداني»: فرض ما این است که يقين دارد ظهر را نیاورده، «مطلب تعبدی»: استصحاب مي‌گوید تو عصر را نیاوردی، با این دو عنوان مي‌آید «ما بیده» را عدول به ظهر مي‌کند بحسب الواقع، باید عدول تقديري هم معنا کنیم.

حالا همین فرض اگر شكّ در اتيان ظهر هم دارد درست مي‌شود، منتهي وقتي شكّ در اتيان ظهر دارد، موضوع عدول دو رکنش تعبدی مي‌شود. در فرض قبلي موضوع عدول؛ دو رکنش يکي وجداني است و ديگري تعبدی، وجداناً مي‌داند ظهر را نیاورده و استصحاب هم مي‌گوید عصر را نیاورده. در این فرض بعد؛ شكّ دارد که ظهر را آورده یا نه؟ وسط نماز چهار رکعتي شكّ دارد که این عصر است یا ظهر، و شكّ دارد عصر را آورده یا نه؟ يك استصحاب مي‌گوید ظهر را نیاوردی. يك استصحاب هم مي‌گوید عصر را نیاوردی. پس ظهر آورده نشده و عصر هم آورده نشده. این «ما بیده» را مي‌تواند عدول به ظهر کند. این در فرضي که در اتيان عصر شكّ دارد.

پس نتیجه این شد که اگر کسی در اتيان عصر شكّ دارد، چنانچه در اتيان ظهر يقين دارد، همان تفسير بين وقت مشترك و مختص، در وقت مشترك می‌گفتیم «بطل ما بیده»، در وقت مختص هم همان توضیحاتي که گفته شده. اما اگر نسبت به نماز عصر يقين به عدم اتيان دارد، یا شكّ در اتيان دارد، اینجا با استصحاب، موضوع عدول را محقق مي‌کنیم و باید عدول به نماز ظهر کنیم.

آخرین فرض در اینجا این است که اگر کسی یقین به اتیان عصر دارد، باز هم اینجا سه فرض دارد: (1) کسی یقین دارد به اِتیان ظهر، (2) در حال خواندن چهار رکعتی است که در اثناءش شك می‌کند که ظهر است یا عصر؟ (3) یقین به اتیان عصر هم دارد. این یقین به ظهر دارد، یا یقین به عصر دارد، نماز وسطی کالعدم می‌شود و باطل است. دو: شك دارد در اِتیان ظهر و در حال خواندن نماز چهار رکعتی است و شك دارد به نیت ظهر شروع کرده یا عصر، و یقین به اِتیان عصر هم دارد، آیا اینجا این نمازش را می‌تواند نماز ظهر قرار دهد؟ امام(رض) می‌فرمایند این هم باطل است. می‌فرمایند اینجا موضوعی برای عدول وجود ندارد. موضوع عدول، ورود در صلاة صحیح عصر است و کسی که یقین دارد نماز عصر را آورده به عنوان صلاة عصر، ورود در صلاة عصر پیدا نکرده است. بعد می‌فرمایند امکان اینکه ما این را به عنوان ظهر احراز کنیم هم وجود ندارد. با هیچ قاعده‌ای از قواعد، نه با قاعده‌ی تجاوز، نه خطای در تطبیق و نه أصالة الصحة. پس اینجا باید بگوئیم که «ما وقع بیده» باطل است.

(سؤال و پاسخ استاد): فرمایش امام(رض) این است که رکن عدول به ظهر، ورود به نماز عصر است، یعنی اگر شما از اول بعنوان العصر وارد این نماز شوید، اینجا عدول به ظهر می‌شود، اما در حالی که یقین داری عصر را آوردی، اگر ورودش هم به عنوان عصر باشد، باطل است. برای اینکه فرض این است که شما غیر از این نماز چهار رکعتی که الآن مشکوک است، یقین دارید عصر را آوردید، حالا که یقین دارید عصر را آوردید پس شما به عنوان نماز عصر صحیحاً وارد این نماز نشدید.

احتمالی در مقابل کلام مرحوم امام

می‌خواهم يك نکته‌ای در مقابل فرمایش امام(رض) عرض کنم؛ فرض مسأله اینجا است که کسی در اِتیان ظهر شك دارد، در حال خواندن يك نماز چهار رکعتی است که شك دارد در ابتدای آن چه نیتی کرده، سوم اینکه یقین به اِتیان عصر هم دارد. امام(رض) می‌فرمایند اینجا نمی‌توان عدول به ظهر کرد، چون موضوع عدول جایی است که انسان صحیحاً وارد نماز عصر شود، کسی که یقین دارد قبلاً نماز عصر را آورده، این چهار رکعتی به عنوان العصر صحیحاً شروع نشده، نمی‌تواند این را به عنوان ظهر قرار دهد، چون هیچيك از قواعد در اینجا جریان ندارد. حالا ما اینجا می‌خواهیم عرض کنیم که قاعده‌ی تجاوز درست است که جریان ندارد، بحث خطای در تطبیق هم اینجا نیست، این کسی که نماز عصرش را یقیناً خوانده، حالا در اثناء يك نماز چهار رکعتی شك می‌کند که نیت نماز ظهر کرده یا عصر؟ درست است عدول جایی است که ورود به نماز عصر صحیحاً شده باشد، یعنی اگر از اول به عنوان عصر صحیحاً شروع کرده باشد، حالا می‌تواند عدول به ظهر کند. در نتیجه اگر از اول به عنوان عصر شروع کرده باشد اصلاً نماز باطل است، نیتش درست نبوده و باطل است، اگر به عنوان الظهر شروع کرده باشد واقعاً صحیح است، اگر به عنوان عصر شروع کرده باشد این جایی برای عدول نیست.

اما آنچه که من می‌خواهم به عنوان احتمال در اینجا عرض کردم این است که اگر بخواهیم روی عنوان عدول تکیه کنیم، این فرمایش امام(رض) در اینجا درست است و اینجا جایی برای عدول نیست. اما این کسی که نماز ظهر را نیاورده، شك دارد که نماز ظهر را آورده یا نه؟ استصحاب هم می‌گوید که این آدم نماز ظهرش را نیاورده، آیا این را به عنوان ظهر تقدیری - نه عدول تقدیری - نمی‌شود در اینجا قرار داد؟ بگوئیم این شخصی که یقین دارد عصر را آورده، فرض این است، اگر شك داشت عصر را آورده یا نه؟ می‌گفتیم این نه ظهر واقع می‌شود و نه عصر، حالا که یقین دارد عصر را آورده، بگوئیم اگر يك نماز چهار رکعتی بعد از نماز عصر واقع شد، اینجا تقدیراً ظهر واقع می‌شود، می‌گوئیم ظهر تقدیری. این احتمال هست. اما انصافش این است که این هم مشکل است و حق با امام(رض) است که این نماز را به عنوان عصر که خوانده نمی‌شود واقع شود، و به عنوان ظهر هم نمی‌شود واقع شود، لذا این عنوان باطل است.

فرض آخرش هم موردی است که یقین دارد ظهر را نیاورده، آن هم همین حکم را دارد، در این نماز چهار رکعتی نه عدول معنا

دارد و نه امکان صحت که ما بخواهیم این را ظهر قرار دهیم، به هیچ يك از قواعد امکان ندارد. تا اینجا فرع اول از فروع علم
اجمالي تمام شد. فرع دوم هم نظیر همین فرع است، منتهی بین نماز مغرب و عشاء است، که يك فرق مختصري وجود دارد که إن
شاء الله عرض می‌کنیم.